

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## چند سویی مقدرات پروسه حل و فصل سیاسی قضایای کشور واکنش‌های جامعه جهانی و موقف ایالات متحده هسته توافق و کنار آمدن‌ها در چه نهفته می‌باشد؟

موجودیت وضع مبهم و اقدامات تند و سریع  
چشم انداز و دورنمای آشتی ملی در کشور  
توضیح واقعیت‌ها و شرح حقیقت  
شرایط کنونی و التزام دقت بیشتر

یکی از بحث‌های مطرح در فضای سیاسی کشور، پیگیری طرح گفتگوهای میان افغانی است که بویژه در ایام پسین افراد مختلفی از فعالان سیاسی و روشنفکران در مورد آن سخن می‌گویند. پیش از این نیز طرح‌هایی چون "آشتی ملی"، "وحدت ملی" و... مطرح شده بود که نتیجه‌ای بدنبال نداشت. در این میان پرسشی مطرح می‌گردد که طرح گفتگوی ملی چه تفاوتی با طرح آشتی ملی دارد؟ آیا تنها نام آن عوض شده یا در واقع، حرکتی جدید در حال دنبال شدن می‌باشد؟ هموطنان داغ‌دیده و رنج‌دیده کشور، همه می‌خواهند تا با ختم جنگ در کشور، رونق اقتصادی راه بیفتد. آیا کسی هست که از نظر تئوری مخالف رونق اقتصادی باشد؟ ممکن است در مسیرهای مختلف، نظریات متفاوتی داشته باشیم، اما در مورد مسایل ایجاد صلح، تحکیم امنیت، معیشت مردم، بیکاری، فساد مالی، محیط زیست، همه با همدیگر تفاهم داریم. بحث ما از اصل گفتگوی ملی اینست که با طرح نمودن مسایل مطرح، بدور یک میز نشسته و اگر نقدی داریم، یکدیگر را نقد نماییم.

مقدم بر همه، در مورد مسأله مورد بحث کنونی ترجیح داده می‌شود تا از کنفرانس‌ها و نشست‌های بین‌المللی در مورد کشور ما و بویژه در خصوص نوع ارائه برنامه‌های تاکتیکی جدید و اشنگتن یادآوری بعمل آید که عمدتاً بر چگونگی بسررسا نندن عملیات نظامی، همکاری وسیع و فعال با دولت افغانستان، تعامل با چگونگی عملکرد سازمان ملل در افغانستان، مشارکت با شرکای بین‌المللی و هماهنگی نزدیک با پاکستان استوار می‌باشد. اداره و اشنگتن در نظر دارد و مصمم می‌باشد تا نظامیان موجود آن کشور در افغانستان را بخانه بازگرداند. همچنان این مسأله قابل تذکر پنداشته می‌شود که قوت‌های موجود ائتلاف در افغانستان تصمیم گرفتند تا بمنظور اجرای توافقنامه همکاری‌های ستراتژیک میان کابل و واشنگتن کشور ما را بمتابیه متحد و شریک خارج از محدوده ناتو بپذیرند.

یادآور باید شد که با خروج قسمی بخشی از نظامیان امریکایی، عده‌ای از آنها بمنظور پیشبرد امور آموزش‌های نظامی و حربی قوت‌های مسلح کشور ما در اراضی متعلق به افغانستان اتراق نموده و به پیروی از ایالات متحده، عده‌ای از متحدین آن کشور در ناتو نیز به چنین اقدامی متوسل گردیدند. در اول امر بگونه کلیشه‌وار چنین ادعای می‌گردید که ایالات متحده و غرب بگونه‌گلی با "طالب"‌ها، دهل جنگ را تا آخر والی پیروزی بر آنها خواهد نواخت و قصد ندارد هیچگونه مذاکره و گفت‌و شنودی را با آنها انجام دهند. چنین موضع‌گیری و حرف‌ها و حدیث‌هایی از اینگونه تا همین اواخر نیز بگونه‌ای تکرار شده و پیهم گوشزد می‌گردید. اما در زمستان سال ۱۳۹۷، راه اندازی پروسه گفتگو با "طالب"‌ها بمتابیه پیشآمد سیاسی قابل توجهی مطرح بحث قرار داده شد. اشرف غنی نیز در این عرصه بیش از هر زمان دیگر موقف و موضع‌گیری‌اش را در تائید امر فوق‌العاده اعلام نمود. نامبرده اظهار داشت که حاضر است تا "طالب"‌ها را بمتابیه

گروه سیاسی پذیرفته و زندانیان آنها را از زندان های کشورها نماید. نامبرده همچنان به "طالب" ها پیشنهاد نمود تا با قطع جنگ و برادرگشی در انتخابات کشور شرکت ورزیده و بمثابه نیروی مستقل سیاسی وارد کارزار اجتماعی- سیاسی کشورگردند. چنین وضعیت را می توان بمثابه انکشافی در وضعیت گلی کشور محسوب نمود.

طرف های کابل و "طالب" ها، بعدم دستیابی موفقیت آنچنانی طرف های درگیر در زد و خورد های کنونی کشور معترف می باشند. اما با تغییر اداره و اشنگتن، قبل از همه، بیش از سایر موارد و در نخستین نگاه، بویژه در شرق، انزو اگریایی عمیقی بنظر می رسد. طی مدت زمان تعیین شده، مذاکرات مورد نظر در کشور های تأثیر گذاری ساز مانده می گردیده و براه انداخته شد. انتظار برده می شد تا کابل و "طالب" ها بمنظور نجات از سردرگمی بوجود آمده به تفاهم ها و توافقاتی نایل گردند، اما "طالب" ها بگونه مکرر، اصل انجام مذاکره و گفتگو با کابل را به بهانه های گوناگون و مطابق برداشت های خودشان، مورد تردید قرار دادند. اما و در نهایت امر، مذاکرات و گفتگو هایی میان ایالات متحده و "طالب" ها ساز ما ندهی و اجرا گردید. کشور هایی چون روسیه، چین، هند، پاکستان، عربستان سعودی، ترکیه، ازبکستان و ایران نیز در فرآیند جهانی یاد شده، دخیل بودند.

اما بگذارید دوباره به کلیشه ها برگردیم. بنظر می رسد که کشورهای اتحادیه اروپا تاحدی و ایالات متحده بگونه مشخصی، تا همین ایام پسین هم برای دورنمای کشور ما هیچ گزینه دیگری جز جنگ و تداوم آن در نظر نداشتند که چنین موقفی، اصلن با واقعیت های موجود سازگار نمی باشد.

"طالب" ها بمنظور ارائه پاسخ صریح برای سازماندهی مذاکرات و گفتگو های میان افغانی به زمان بیشتری نیاز داشتند. خوب اگر چنین موقفی از جانب "طالب" ها ارائه گردید، این در نوع خود می توانست بمثابه نشانه مثبتی در مورد مسأله مورد بحث پذیرفته شود.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که ستراتیژی نظامی، درگام نخست درواشنگتن طرح ریزی میگردد. با طرح و تطبیق چنین ستراتیژی ها، در اول امر، حضور ایالات متحده در کشور ما نهایت سنگین بود. علاوه بر آن، با در نظر داشت وضعیت کنونی طرف های درگیر، چنین بنظر می رسد که "طالب" ها قبل از سایرین و بیش از دیگران، در صدد عقب گرد پروسه آغاز شده نبوده و مراجعه و برگشت به سال های تیره و تاریخی در کشور را مردود می شمارند. با چنین وضعیتی، بیش از هر زمان دیگر، ضرورت آغاز گفتگو های میان افغانی در دستور روز قرار گرفته و از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. با صراحت می توان گفت که مذاکرات قریب الوقوع میان افغانی می تواند بمثابه نقطه عطفی در اوضاع کنونی کشور ما مبدل گردد.

بنابراین، اگر با در نظر داشت سایر فاکت ها و حقایق موجود در محل، وضعیت منحصر بفرد کشور از درون و با در نظر داشت ارتباط کلیه طرف ها به موضوع جنگ و صلح در کشور، صورت گیرد، قادر به ریشه یابی واقعیت ها خواهیم گردید. نباید فراموش خاطر ما گردد که کلیه محافل مترقی و بویژه کشورهای صلحدوست جهان، همه بازیگران کلیدی منطقوی و ایالات متحده، چین و پاکستان را به هماهنگی اقدامات و تلاش های شان بمنظور حل و فصل بحران کنونی تشویق مینمایند تا کشور ما از وضعیت بلا تکلیفی کنونی رهایی یافته و به دستیابی به حل و فصل سیاسی قضیه موجود در افغانستان که نفع تمامی هموطنان و باشنده های سرزمین بلا کشیده ما در آن نهفته بوده و به تحکیم صلح و ثبات در سر زمین کشور عزیز ما منتج گردد، موفق گردیم.

تذکر این مسأله از اهمیت شایانی برخوردار می باشد که بهیچ نیرویی و بهیچ کشوری نباید اجازه داد تا بگونه ای در گفتگو های میان افغانی اختلال ایجاد نمایند. در کنار سایر مسایل موجود، این واقعیت انکارناپذیر را نباید فراموش نمود که بدون دستیابی به نوعی از توافق سیاسی در عرصه حکومتداری در داخل کشور، اصلن نمی توان بشکل بندی و انجام گفتگو های یاد شده خوشبین و امیدوار بود. رفع بحران کنونی در کابل، راه را بسوی آغاز مذاکرات خواهد گشود. بحران کنونی حکومتداری در کشور را می توان بمثابه پیامد جنجال های انتخاباتی سال پار ریاست جمهوری کشور پنداشت. با وجود روند کند تبادل زندانی های دوطرف، معضل حاضر سیاسی در کابل، مسیر روند گفتگو های یاد شده رابه کنندی موجه نمود. با صراحت باید خاطر نشان گردد که امریکایی ها خود در تشدید بحران کنونی سیاسی کشور ما بگونه ای سهم داشتند. آنها با شرکت در مراسم تحلیف یک تن از کاندیدها، بگونه غیر مستقیم، نتایج انتخابات را پذیرفته و بر آن مهر تائید گذاشتند. با چنین موضعگیری و اقدام اینچینی، بیش از پیش به بحران موجود در کشور دامن زده شد.

با وجود توافق دولت و "طالب" ها در مورد رهایی زندانی های هر دوطرف، اما سر نوشت روند صلح و گفتگو های میان افغانی در هاله ای از ابهام قرار دارد.

با این حال، جانب دولت افغانستان، باید این واقعیت را در نظر داشته باشد که در جریان مذاکرات مستقیم و رودرو با "طالب"ها، چه مواردی را در گام نخست با طرف مقابل مطرح بحث قرار دهد. در جریان رهایی افراد، وزیرامورداخله کشور اظهار نمود که در میان افراد ره‌آ شده توسط "طالب"ها، کسی و یا شخصی از افراد متعلق به نیروهای امنیتی کشور موجود نبوده، بلکه افراد آزاد شده، همه افراد ملکی بوده که باتهام انجام جرایم مختلفی توسط "طالب"ها زندانی شده بودند. بنظرمی رسد که در کنار عوامل دیگر، وضعیت یادشده مزید بر مشکلات شده و درکند نمودن آغاز پروسه یادشده نیز اثرگذار واقع گردید.

اما احتمال پیدایش اختلال در گفتگوهای میان افغانی، عملن نگرانی هایی را ببار می آورد. یکی از جمله چنین فاکتور ها و عوامل بازدارنده مذاکرات را می توان موجودیت بحران قدرت در کابل بشمار آورد، تازمانی که بحران یادشده بر طرف نگردیده، به یقین که از راه اندازی و سازماندهی گفتگوهای میان افغانی نمیتوان سخنی بمیان آورد. همچنان بحران قدرت در کشور، سبب تضعیف اصل حکومتاری در کشور شده و اسباب و زمینه های پیدایش بحران های پی اندرپی را فراهم خواهد نمود.

از جانب دیگر، وزارت خارجه ایالات متحده چنین میپندارد که سعی و تلاش بمنظور برگزاری نشست میان افغانی به نتیجه دلخواهی منتج نگردیده است. وزیر خارجه آن کشور، ادعا مینماید که در مسیر راه اندازی گفتگوها میان دولت افغانستان و "طالب"ها، مشکلات معینی موجود می باشد.

در اعلامیه وزارت نامبرده که ماه قبل بنشر رسید، آمده است که در توافق حاصله مذاکرات ایالات متحده و "طالب"ها، از جمله، تاریخ آغاز مذاکرات میان افغانی نیز تعیین گردیده بود، اما بعلت موجودیت عواملی، تعیین تاریخ آغاز گفتگو های یادشده صورت عملی بخود اختیار ننمود. مطابق برنامه تعیین شده، دولت افغانستان باید هیأت مذاکره کننده را تعیین و انتخاب می نمود، اما بدلیل نبود توافق در کابل، چنین هیأتی تاکنون تعیین نگردیده که خود سبب پیدایش سو تفاهات و معضلات جدید گردیده و مذاکرات یادشده را به تعویق افگند.

منشی مطبوعاتی وزارت خارجه ایالات متحده تأیید نمود که تاکنون نیز از جانب اشرف غنی فهرست شرکت کننده های مذاکرات را بدست نیآورده و اما ریاست جمهوری کشور اعلام نمود که در زمینه یادشده، کار جریان داشته و بزودی چنین فهرستی تهیه خواهد گردید. رئیس جمهور غنی واضح نمود که با عبدالله و سایر رهبران و شخصیت های سیاسی نیز مشوره ها جریان داشته و بزودترین فرصت ممکن ترکیب هیأت مذاکره کننده جانب دولت با اطلاع همگان رسانیده خواهد شد.

با وجود آنکه اطرافیان اشرف غنی از انجام مشوره های رئیس جمهوری با سیاسیون و بزرگان کشور خبر می دهند، اما سیاسیون کشور از مراجعه رئیس جمهوری بآدرس آنها درمورد گفتگوهای میان افغانی، اظهار بی خبری مینمایند. از جانب دیگر، با پیچیدگی مسایل مربوط به گفتگوهای میان افغانی، حملات مسلحانه "طالب"ها بر بسیاری از مناطق کشور نیز شدت قابل ملاحظه ای کسب نموده است.

قابل یادآوری پنداشته می شود که سطح بالای خشونت انجام شده توسط "طالب"ها در وضعیت کنونی غیر قابل قبول بوده و مطابق توافقات حاصله میان آنها و امریکایی ها، جنگجویان "طالب" از هر نوع اقدام مسلحانه و تلافی جویانه علیه قوت های خارجی خودداری ورزیده و اما متأسفانه که در نتیجه، با انجام حملات به مناطق و محلات کشور، به قتل و خاک و خون کشیدن اهالی ملکی و نظامیان کشور خودی همچنان ادامه می دهند. یعنی آشتی و مصالحه با خارجی ها و تداوم جنگ در کشور و کشتار هموطنان و فرزندان کشور که خود جای سؤال دارد. با وضعیت حاکم اینچنینی، شرایط در داخل کشور بحرانی گردیده و طبعن که عدم ثبات و نبود امنیت جانی و مالی هموطنان کشور، بگونه مستقیمی بر مذاکرات قریب الوقوع میان افغانی نیز سایه خواهد افگند.

از جانب دیگر، مقامات رسمی کشور، خطرات و تهدیدهای موجود از رهگذر شیوع و ویروس کرونا را در کشور جدی و قابل تأمل شمرده و اقدامات پیشگیرانه ای بمنظور جلوگیری از شیوع بیشتر و ویروس کوید - ۱۹، در سراسر کشور انجام داده است. از جانب "طالب"ها و "دولت اسلامی" نیز در زمینه شاهد و اکنش هایی بودیم. اما با وجود آنکه ولایت هرات که با ایران همجوار می باشد، بمثابه نخستین محل پیدایش و ویروس یادشده پنداشته شده که بر بنیاد آن، بسیاری ها کوید- ۱۹ را "ویروس ایرانی" نام نهاده اند. اما دولت در همه ولایت های کشور اقداماتی را رویدست گرفت. نباید فراموش نمود که بمنظور دفاع از زندگی و حیات هموطنان و بمنظور مبارزه همه جانبه علیه پخش و گسترش و ویروس یادشده، تدویر مذاکرات میان افغانی باید در دستور روز قرار داده شود.

کارشناسان امور بهداشتی با مشاهده و بررسی وضعیت کنونی در کشور اظهار داشته اند که ایران یگانه کشور همجوار

افغانستان است که سبب سازانقلاب و شیوع ویروس یادشده به کشورما پنداشته می شود. ویروس یادشده از طریق مجرای های ورودی از ایران به ولایت هرات و از آنجا به سراسر کشور شیوع یافت. برخیها چنین می پندارند که انتقال و شیوع ویروس کرونا به کشورما، اقدامیست که قصدن از جانب مقامات ایرانی صورت گرفته و تهران در وضعیت کنونی از ویروس کرونا بمثابه سلاحی علیه حاکمیت سیاسی کشورما استفاده بعمل می آورد. بگفته بسیاریها، بمنظور جلوگیری از پخش و گسترش بیشتر ویروس یادشده، مرزها و گذرگاههای کشورما با ایران باید مسدود شده و رفت و آمد یا بگونه عمومی متوقف و ممنوع گردیده و یا تحت مراقبت های جدی بهداشتی قرار داده شود. بر علاوه هرات، شاهد شیوع این "ویروس ایرانی"، بشمول کابل در سراسر کشور نیز می باشیم.

نگرانی مشترک دولت افغانستان و "طالب"ها از رهگذر تهدیدهای ناشی از پخش و انتشار ویروس کرونا، "ویروس ایرانی" در کشور، بگونه غیرمنتظره زمینه همکاری های بالقوه و فرصت امیدوارکننده را بمنظور همکاری نزدیک میان دولت و "طالب"ها فراهم می نماید. تاکنون نه دولت افغانستان و نه "طالب"ها، هیچکدام از آغاز بکار گفتگوهای یادشده، سخنی بمیان نمی آورند. با این وجود، آنها ممکن است از رهگذر اقدامات و هماهنگی ها علیه همه گیری خطرناک ویروس کرونا، زبان مشترکی پیدا نمایند کاین بنفع گل مردم و باشندده های سرزمین ما می باشد.

بنظرمی رسد، مقامات رسمی دولت افغانستان و "طالب"ها می توانند بر بنیاد فعالیت ها و عملکردهای وزارت بهداشت کشور، در زمینه ایجاد یک نهاد هماهنگ کننده مشترک در زمینه اجرای ستراتیژی ملی مبارزه علیه بیماری همه گیر کرونا را که شامل اقدامات قرنطین، تحویل دارو و انتقال تجهیزات بهداشتی بویژه به مناطق دورافتاده کشور و فراهم نمودن زمینه های امنیت دکتوران و کارکنان بهداشتی می شود، اقدامات مشخصی بعمل آورند. رئیس جمهور غنی بگونه گلی می تواند همکاری در زمینه های یادشده را به رهبر "طالب"ها نیز پیشنهاده نموده و در مقابل، طبعن واکنش "طالب"ها در مورد یادشده بگونه ای با آغاز مذاکرات میان افغانی ارتباط مستقیم دارد.

خوب بخاطر داریم که طی ماه دلو سال پار، معامله و توافقی میان "طالب"ها و امریکایی ها، بویژه در مورد خروج نظا میان امریکایی از افغانستان صورت گرفت. معامله یادشده بمثابه اجرای بخشی از وعده های کارزارهای انتخاباتی ریاست جمهوری دونالد ترامپ در ایالات متحده پنداشته می شود تا نامبرده برای دومین بار بمثابه رئیس جمهور کشورش برگزیده شود.

در اینجا، قبل از همه ببینیم چه اتفاقی در کشورما در حال تکوین می باشد؟ پس از ۲۰ سال موجودیت و حضور سنگین قوت های نظامی خارجی در اراضی افغانستان، جامعه افغانی بر بنیاد مسایل ملی و بر اساس ویژگی های منظوقی و مذهبی تقسیم و پارچه پارچه گردیده است. دولت و حاکمیت سیاسی در کشور به تنهایی قادر نمی باشد تا در مقابل مخالفان مسلح به مبارزه و مقاومت تداوم بخشد. دولت صرف بر نیمی از اراضی کشور، بویژه در اطراف شهرهای بزرگ، آنهم صرف روزانه تسلط و حاکمیت دارد.

در بخش های مختلف کشور، در کنار "طالب"ها، تعداد بیشماری از باند گروپ ها با شعارهای افراطی و مذهبی بمثابه میزبانان سایر تروریست ها مبدل گردیده اند. حاکمیت سیاسی ضعیف در کشور، قادر به نظارت از تطبیق قانون نمی باشد، کشت و قچاق مواد مخدر افزایش قابل ملاحظه ای حاصل نموده است، تجارت غیرقانونی سلاح و فساد در دستگاه اداره دولت، از موارد منفی دیگری در مورد می باشد.

موجودیت شگافهای قومی و مذهبی و در عین زمان، فاصله ها و تفاوتها میان اقوام و ملیتهای مختلف باهم برادر کشور بیش از پیش عمیق و عمیقتر گردیده و کشور را عملن به تجزیه مواجه می نماید. متأسفانه دورنمای بهبودی وضعیت کشور آنهم حتا در آینده ها هم غبار آلود و نهایت مغشوش بنظرمی رسد.

در شرایط و وضعیت اینچنینی، بسیاری از کارشناسان بین المللی، بلی وحتا دونالد ترامپ، غصب قدرت توسط "طالب"ها را گمان می برند. با تکوین حالت و وضعیت یادشده، سکان رهبری کشورما به نیروهایی سپرده خواهد شد که ایالات متحده از آغاز سال ۲۰۰۱ بدینسو علیه آنها مبارزه نموده و میلیاردها دالر را در زمینه هزینه نموده و در این مدت زمان بیست سال است که به بهانه مبارزه علیه تروریزم (!)، کشتار و ویرانی های بیشماری را برای ما ببار آورد. زمزمه هایی بگوش می رسد که "طالب"های امروزی با آنهایی که دگراندیشان را به دار آویخته و زنان را سنگسار نموده، نظامیان کشور را بقتل رسانیده و آثار گرانبهای متعلق به فرهنگ جهانی موجود در کشورما را نابود و ویران نمودند، فرق داشته و تفاوت و تمایز دارند.

اکثریت قریب بتمام مردمان جهان چنین می پندارند که افغان ها در صورتی که برای دیگران مشکل و معضل ایجاد نگردد، در داخل محدوده کشورشان در انجام فعالیتها و چگونگی عملکردهای شان خودمختار بوده و آزادند و هرزمانیکه

چنین آزادی ها و در مجموع، اصل استقلالیت آنها مورد تهدید قرار گرفته، سبب ایجاد شورش ها و نبردهای طولانی مدت گردیده است. نکته اصلی اینست که افغانها پیدایش و رشد یک هیولای تروریستی دیگر در سرزمین شان را هرگز تحمل ننموده و اجازه نخواهند داد تا درامه های ساخته شده در غرب که رژیم سوری آن بر عهده ایالات متحده و شرکا و هم پیمانانش باشد، در اراضی کشور ما زمینه تطبیق حاصل نموده و بنمایش گذاشته شود.

همچنان این واقعیت را باید در نظر داشت که صدور "دولت اسلامی" (داعش) و ایجاد شاخه افغانی آن در سال ۱۳۹۴ از شبه قاره عرب به کشور ما صورت گرفته و در افغانستان مستقر گردید. آنها برخلاف "همکاران" شان، هنوز هم در سوریه و عراق بموجودیت و حضورشان ادامه داده و با افتخار از سهمگیری جنگجویان شان در حملات تروریستی در افغانستان و کشورهای همجوار آن یادآوری بعمل می آورند. چنانچه سال پارشاهد چنین حملاتی در تاجیکستان نیز بودیم.

برخلاف "طالب" ها در بسیاری موارد، "داعش" بگونه تمام عیار آن از بیگانگان نمایندگی می نماید. بیشترین عده آنها را مهاجران وارد شده از آسیای مرکزی و فرغانه تشکیل می دهند که بنحوی از انحاء از یکستان، تاجیکستان، قزاقستان و قرغیزستان را مورد تهدیدات امنیتی قرار می دهند. منطقه بود و باش آنها و خانواده های شان را مناطق مربوط به پامیر افغانستان تشخیص داده اند.

پیدایش و موجودیت داعشی ها در اراضی متعلق به کشور ما با ارزیابی های ناتو در مورد پایین بودن خطر گروه بندی یاد شده تا اظهارات هشدار دهنده مقامات حکومتی کشورهای آسیای مرکزی مبنی بر موجودیت تهدید های حملات تروریست ها به مناطقی از آسیای مرکزی از قوه بفعل مبدل گردید.

در متن بیانیه ها و اظهارات رسمی منتشر شده در وسایل اطلاعات جمعی، باین واقعیت بگونه مکرر اشاره شده که "داعش" در واقعیت امر، ساخته و پرداخته شده معماران امریکایی بوده و بمنظور جایگزینی "طالب" ها در خدمت پیشبرد و اجرای دساتیر و دیرکتیف های آن کشور قرار داده شده است.

بگونه مشخص، یادآوری این مسأله لازمی و ضروری پنداشته می شود که ۲۰ سال قبل، در امتداد مرز های افغانستان و پاکستان بمنظور حل و فصل قضایای کشور ما اقدامات و تحرکاتی بعمل آمد. این را نیز نباید فراموش نمود که قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، ایالات متحده و ناتو، مخالفان مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان را در سرزمین و اراضی متعلق به پاکستان، بگونه سخلوتمندانه ای تجهیز و تسلیح نموده و به هدف تداوم مبارزه علیه رژیم حاکم در کشور ما و تحت رهبری مستقیم سازمان جهنمی استخباراتی آی. اس. آی. به میدان های نبرد گرم علیه حاکمیت سیاسی کشور ما سوق دادند.

با سقوط رژیم جمهوری دموکراتیک کشور و انجام تسلیمی و انتقال قدرت به مجاهدین، فصل و باب جدیدی در کشور آغاز گردیده و "تجارت" یاد شده بباد فراموشی سپرده شد. پس از آن، در سردیگری هم برای افغانستان و هم برای دول و حکومت های همجوار کشور ما خلق و ایجاد گردید.

یکشنبه هفتم ماه ثور سال ۱۳۹۹ خورشیدی